

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۱۹-۲۴۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1949413.2403](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1949413.2403)

بررسی سبکی و محتوایی مثنوی «آلات جنگ» سروده میرزا محمدطاهر قزوینی

محمدحسین تشکری بافقی^۱، دکتر فاطمه غفوری مهدی‌آباد^۲، دکتر پوران یوسفی‌پور کرمانی^۳

چکیده

مثنوی «آلات جنگ» سروده میرزا محمدطاهر قزوینی، از آثار منظوم و ارزشمند قرن یازدهم و اوایل دوازدهم هجری است. این اثر دارای ۸۰۰ بیت می‌باشد و در قالب مثنوی سروده شده است. در این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، ضمن معرفی مختصری از نویسنده و معرفی اثر ارزشمندش به بررسی مختصات سبک‌شناسانه این اثر پرداخته شده است. قزوینی در این کتاب سعی دارد در قالب کلامی موزون و منظوم و با بهره‌گیری از صورخیال و صناعات شعری به معرفی آلات و ادوات جنگی عهد صفوی بپردازد. شاعر برای غنی کردن اشعار و اندیشه‌های خود از تلمیحات و اشارات تاریخی بهره جسته است. نکته قابل توجه این است که در تصویرسازی و تصویرآفرینی با جنگ ابزارها در مثنوی «وصف آلات جنگ»، میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، متأثر از دوره صفویه بوده و این اثر از نخستین دیوان‌هایی است که آلات و ابزارهای جنگی جدید، مانند تفنگ و سلاح‌های آتشین را به تصویر کشیده است. وحید قزوینی بارها در کتاب خود به داستان‌ها، روایات دینی، حوادث تاریخی و اسلامی و شخصیت‌های بزرگواری چون پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) پرداخته و در کنار این مباحث، آشنایی خوبی نیز به ادبیات فارسی و عربی دارد و به این داستان‌ها و شخصیت‌ها گاه اشاره می‌کند. بررسی سطوح فکری، زبانی و ادبی این اثر بی‌شک مسیر شناخت از تفکر و رویه علمی و ادبی این شاعر را برای علاقه‌مندان و پژوهشگران هموارتر می‌کند.

کلید واژه‌ها: مثنوی، آلات جنگ، میرزا محمدطاهر قزوینی، تحلیل محتوایی، سبک‌شناسی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران.

Ofogh_kavir1998@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران. (نویسنده مسؤل)

Fatemeghafuri4643@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران.

Pooran.yusefipuor@yahoo.com

مقدمه

دامنه تأثیرپذیری از فردوسی و حماسه عظیم بشری در حوزه ادبیات و خلق آثار ادبی انکارناپذیر است. شاهنامه با گذشت هزار سال از سرایش آن همواره در همه شئون مختلف زندگی ایرانیان حضور داشته است و قرن‌هاست که شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان از منبع عظیم داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی شاهنامه بهره می‌برند. به روایت تاریخ ادبیات فارسی، منظومه‌های حماسی و بسیاری دیگر از آثار حماسی به تقلید و تأثیر از شاهنامه حکیم طوس به نظم درآمدند. یکی از آثاری که به تقلید از شاهنامه سروده شده، مثنوی «آلات جنگ» است. مثنوی «آلات جنگ» سروده میرزا محمدطاهر قزوینی، از آثار منظوم و ارزشمند قرن یازدهم و اوایل دوازدهم هجری است. این اثر دارای ۸۰۰ بیت می‌باشد و در قالب مثنوی سروده شده است. در این پژوهش ضمن معرفی مختصری از نویسنده و معرفی اثر ارزشمندش به بررسی مختصات سبک‌شناسانه این اثر پرداخته شده است. در بررسی سبک‌شناسی، متن را از نظر ویژگی‌های خاص فکری، زبانی و ادبی که مختص شاعر یا نویسنده اثر است یا با توجه به مختصات سبک دوره، مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهند تا با مطالعه سطوح سبک‌شناسی، اطلاعات دقیق‌تری درباره ویژگی‌های آن اثر به دست آورند. به‌طور قطع این مطالعات برای شناخت وجوه مختلف آثار و سنجش علمی متون ادبی حائز اهمیت است. بررسی سطوح فکری، زبانی و ادبی متون ادبی مثنوی «آلات جنگ» می‌تواند، اطلاعات سبک‌شناسی خوبی از این دوره (قرن ۱۱ و ۱۲ هجری) در اختیار ادب‌دوستان قرار دهد و سیمای روشن‌تری از وجوه فکری، علمی و ادبی این اثر را نمایان کند. از اهداف این پژوهش، مطالعه درباره مختصات سبک‌فکری، ادبی و زبانی و آشنایی با شعر و سبک و سیاق مثنوی «آلات جنگ» اثر میرزا محمد طاهر وحید قزوینی است.

پیشینه تحقیق

از آنجا که مثنوی «آلات جنگ» تاکنون به‌طور کامل تصحیح و چاپ نشده و در مورد این اثر و سبک‌شناسی آن پژوهشی صورت نگرفته و از این حیث این پژوهش نوآورانه محسوب می‌شود.

نسخه‌های خطی میراث گران‌بهای تاریخی، فرهنگی و ادبی هر ملتی محسوب می‌شود. در این میان، دیوان اشعار شاعران، گنجینه‌ای ارزشمند از تاریخ ادب در ایران است. آشنایی و شناخت

سبکی این منابع، جایگاه والایی دارد؛ زیرا از یک سو پیشینه ادبی تمدن‌ها در لابه‌لای اوراق این دست‌نوشته‌ها نهفته است و دیگر اینکه شناسایی و معرفی شاعران و نویسندگانی که آثارشان تبلور فرهنگ زمان ایشان است، می‌تواند در شناخت فرهنگ و تاریخ آن روزگار و سبک‌شناسی مختصات ادبی آن دوره سودمند واقع شود.

روش تحقیق

گردآوری مطالب و تنظیم آن در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی است. نگارنده پس از استخراج مطالب از منابع گوناگون و فیش‌برداری، اطلاعات متناسب با موضوع پژوهش را طبقه‌بندی نموده و به شرح و تحلیل مطالب به همراه شواهدی از «آلات جنگ» با استفاده از روش توصیفی تحلیلی پرداخته است.

مبانی تحقیق

مثنوی آلات جنگ

مثنوی «آلات جنگ» در حدود ۸۰۰ بیت به بحر متقارب سروده شده است. شاعر پس از مقدمه، سخنی در باب توحید دارد. سپس نعت ثقلین و بعد به ترتیب به مدح حضرت علی (ع) و شاه‌عباس دوم و سپس به توصیف وسایل جنگی پرداخته است. این مثنوی در جهت شناخت وسایل جنگی عصر صفوی بسیار ارزشمند است.

شرح حال میرزا طاهر قزوینی

عمادالدوله میرزا طاهر قزوینی، متخلص به وحید در تاریخی که ثبت نشده است در قرن یازدهم در خانواده‌ای شاغل در امور دیوانی چشم به جهان گشود. پدرش میرزا حسین‌خان قزوینی، وی و سه برادر دیگرش را برای امور دیوانی آموزش داد و این چهار برادر از فرهیختگان زمان خود شدند. «وحید قزوینی در بدایت حال ظاهراً به استعداد ذاتی تحصیل مقدمات علوم زمان خود نمود و در امور محاسبه و دفترداری مهارتی کافی یافت» (خیریه، ۱۳۸۷: ۲۷۴). پس از این دوره، منشی دربار شاه صفی شد. در زمان پادشاهی شاه عباس دوم وقایع‌نگار مخصوص شاه شد. در این سال‌ها کتاب تاریخی «عباس‌نامه» را نگاشت. در روزگار شاه سلیمان، وحید به مقام وزارت رسید و این اوج موفقیت وحید در زندگی سیاسی او بود پس از مرگ شاه سلیمان، در زمان شاه سلطان حسین از سیاست کناره گرفته و خلوت گزید و سرانجام در یکی از سال‌های ۱۱۰۵ تا ۱۱۲۰ ه. ق چشم از جهان فرو بست. وحید با عمر درازی

که داشت (حدود صدسال) فرصتی کافی داشته تا دیوان قطوری از شعر را به نظم بکشد. دیوانی که شمارگان ابیات وی را تذکره نویسان بین سی هزار بوده است.

سبک‌شناسی

در تعریف سبک‌شناسی آمده است که: «سبک، روش بیان اندیشه و «شیوه متمایزی از کاربرد زبان به منظوری خاص و برای ایجاد تأثیری ویژه است» (وردانک، ۱۳۹۳: ۲۱). در تحلیل سبک‌شناسانه یک متن «ساختارهای برجسته، گزینش‌ها و بسامد کاربرد آن‌ها مورد بررسی است. بررسی اثر ادبی با این دیدگاه و در سه بخش؛ زبانی (آوایی، واژگانی، دستوری)، ادبی (بررسی بدیع معنوی و بیان در اثر) و فکری (بازتاب اعتقادات و اندیشه‌های شاعر، احساسات او نسبت به پدیده‌ها، طرز برخورد او با وقایع و ...» (سبک‌شناسی ادبی) نامیده شده است» (بخردی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۱).

بحث

سطح فکری

مهم‌ترین ویژگی‌های سطح فکری، مضامین و موضوعات این اثر به شرح ذیل است:

موضوعات و مضامین

الف) بیان اندیشه‌های اخلاقی

توجه به مباحث اخلاقی با تکیه بر آرای کلام و صنایع ادبی از مثنوی «آلات جنگ» کتابی ارزشمند ساخته است. شاعر با توجه به اهمیت موضوعات اخلاقی، تربیتی و دینی، مباحث ارزشمندی را به نظم درآورده است که به پاره‌ای از این مباحث اشاره می‌کنیم:

تواضع و افتادگی

تواضع، از جمله موضوعات علم اخلاق اسلامی است که بسیاری از خصایل نیک آدمی از آن سرچشمه می‌گیرد. این ویژگی که در زبان و رفتار انسان، نمود پیدا می‌کند در زبان فارسی با واژگانی چون فروتنی، افتادگی، خاکساری، شکسته‌نفسی و تعابیری از این دست یاد می‌شود. در مثنوی «آلات جنگ»، شاعر به اقتضای وسعت افکار و اندیشه خویشتن و نیز تعمق در مباحث تربیتی دین، ائمه و بزرگان به فضایل و رذایل اخلاقی و آثار و تبعات هر یک پرداخته است:

چو افکنندگی مایه بندگیست بلندی به راهش ز افکنندگی است
کنند نخل در صحن بستان نمو شود ریشه‌اش در زمین چون فرو

اگر سروری بایدت چون نهال بلندی طلب کن ازین خاکمال
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۲)

کمال حاصل رنج و ریاضت

یکی از گام‌های اساسی در سیر و سلوک و رسیدن به نور معرفت و محبت خداوند، مبارزه با نفسانیات و تعالی دادن به ارزش‌های روحانی است؛ ریاضت شرعی، اهتمام ورزیدن بیشتر به ورع، پرهیزکاری و رسیدن به عبودیت واقعی است. شاعر معتقد است انسان باید حتی در برابر دشمن هم تواضع و فروتنی از خود نشان دهد.

بلندی اگر بر تو جوید عدو تو پستی گزین تا که باشی نکو
به نوعی جگر را به دندان فشار که دندان درو گم شود چون انار
به نرمی توانی چو بودن زبان چو دندان چرا می‌شوی استخوان
(همان: ۲۹۲)

ب) توجه به مفاهیم دینی

یکی از موضوعات و مباحثی که در شعر شاعران مسلمان مورد توجه قرار می‌گیرد، بیان باورهای دینی و اعتقادات آیینی و الهی آنهاست که این موضوع با توجه به ساختار فکری و ذهنی شاعران در ادوار تاریخی، موضوعی شایان توجه است. سرودن شعر مذهبی - آیینی در ایران از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. توجه به مباحث اخلاقی و دینی هم یکی از مسائل بسیار مهم است که جای خود را در تمامی بخش‌های مختلف ادبیات فارسی باز کرده است. به‌عنوان نمونه، می‌توان رگه‌هایی از معانی اخلاقی و دینی را در ادبیات دینی، داستانی، تاریخی، فلسفی و حماسی دید که این خود بیانگر توجه شاعران ادب فارسی به این مسائل مهم است. قزوینی از شاعرانی است که باورهای دینی خود را در اشعارش منعکس نموده است. این انعکاس گاه به‌صورت نیایش، نعت نبی مکرم اسلام (ص)، مدح ائمه اطهار، تفسیر آیات و احادیث و ... نمود یافته است. شعر «آلات جنگ» با پرداختن به مبحث نبوت و نعت رسول خدا (ص) درصدد است که عشق و محبت خود را به اسلام بیان کند:

رسول خدا سید المرسلین که در بزم قربست مسندنشین
به تشخیص اوزان مردم نشست دو عالم چو میزان عدلش به دست
گشایش ازو قلعه چرخ دید شد انگشت او قفل مه را کلید

(همان: ۲۹۷)

نیایش

نیایش یکی از روحانی‌ترین لحظات زندگی هر مؤمن است. در همه ادیان آسمانی متناسب با تلقی و درک مؤمنان از دین شیوه‌ها و شکل‌هایی برای راز و نیاز با معبود فراهم شده است. شاعران هم به‌عنوان دارندگان روح‌های لطیف و حساس در لابه‌لای اشعار خود مناجات‌هایی نغز و دل‌نشین گنجانده‌اند که از لطیف‌ترین فرازهای آثارشان استدعا و نیایش در ادب فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد و در ادبیات کهن و امروز، کمتر آثاری است که در آن شاعر و نویسنده به ستایش و توصیف خداوند پرداخته و ضمن آن نیایش‌هایی بیان نکرده باشد، پس به جرئت می‌توان ادعان داشت نیایش در پهنه ادبیات فارسی جزئی لاینفک بوده و هست. «میرزا محمدطاهر قزوینی» نویسنده مثنوی «آلات جنگ» در آغاز و مقدمه کتاب و پیش از ورود به هر مبحثی، این‌گونه به نیایش باری تعالی پرداخته است:

به نام طرازنده مغز و پوست که خورشید یک چشمه صنع اوست
به نام نگارنده جسم و جان که برگی است از باغ نعش زبان
بود مهرش آن خادم تیزچنگ که طباخ طعم است و صباغ رنگ
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۱)

ستایش خداوند و نیایش او از ملزومات ادبی «آلات جنگ» است. شاعر سعی دارد با ستایش باری تعالی اثر خود را آغاز کند. موضوع اولین ابیات این اثر ارزشمند مناجات و ستایش پروردگار متعال است.

توجه به خردگرایی

عقل و خرد در ادبیات فارسی، به‌ویژه در آثار شاعرانی که با علم کلام و فلسفه و منطق آشنایی داشته‌اند، جایگاه ویژه‌ای دارد. گاه نیز به دلیل مضمون یابی و بیان مفاهیم و مضامین و صور خیال و ایماژهای شاعرانه و ادیبانه، شاعران و ادیبان بدان توجه کرده‌اند. در عین حال شاعرانی مانند مولوی، به اهمیت عقل و خرد در روایات و متون دینی و فلسفی و کلامی آگاه هستند و عقل در آثار ادبی آنان جایگاه ویژه‌ای دارد و همیشه عقل مساوی با عقل جزوی و جزئی‌نگر و سطحی‌نگر نیست. گاه عقل ارزش والایی می‌یابد و فواید و کارکردهای بسیاری بر آن بار می‌شود و در موارد بسیاری این عقل است که راهگشای انسان در زندگی است و لازمه

زیستن و درست زیستن در این عالم خاکی است. معروف‌ترین تقسیم‌بندی مولانا دربارهٔ عقل عبارت است از عقل کلی و عقل جزوی.

کوست بابای هر آنک اهل قل است
کون کسی با عقل کل کفران فزود
من که صلحم دائماً با این پدر
این جهان چون جنتستم در نظر
(مولانا، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۶۴۵)

عقل عنصری کیمیاگر است و آب و گل را به زر تبدیل می‌کند و این جهان با همهٔ بدی‌هایش برای کسی که با این عقل در صلح باشد، چون بهشت است. شاعر «آلات جنگ» نیز به تبع شاعران و عرفا عقل را ستوده است و آن را هدیه‌ای از جانب خدا دانسته است:

یکی از عطیای او هوش توست
همین جوهری را که نام است هوش
که پاینده راز و سرپوش توست
تو را هست در سر به‌جای سروش
کند چشم سر گر چه کار محک
یقینش بود هوش اگر نیست شک
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۴)

بهره‌بردن از منبع قرآن و حدیث

شاعر برای تقویت کلام اثرگذار خود از آیات و احادیث بهره‌جسته است که نشانگر شناخت شاعر از مبانی دین و توجه وی به مباحث ارزشمند اخلاقی در دین مبین اسلام دارد. در برخی ابیات، احادیث و آیات را با کلام منظوم خود تحلیل نموده و تفکر خود را به نحوی روشن‌بین نموده است. وی با استفاده از آیهٔ «کن فیکون»، به قدرت و شکوه پروردگار اشاره کرده است:

چو بنمود فرمان والاش چهر
به یک حرف در چرخ آمد سپهر
ز شرح است قاصر سخن بی‌سخن
کشید این گمان با دو انگشت کن
(همان: ۲۹۴)

توجه به داستان‌ها و شخصیت‌های ادبی و دینی

شاعر بارها در کتاب خود به داستان‌ها، روایات دینی، حوادث تاریخی و اسلامی و شخصیت‌های بزرگواری چون پیامبر اکرم و علی (ع) پرداخته و در کنار این مباحث، آشنایی خوبی نیز به ادبیات فارسی و عربی دارد و به این داستان‌ها و شخصیت‌ها گاه اشاره می‌کند:

سلیمان نداند بدان دست و زور بناکردن خانۀ چشم مور
(همان: ۲۹۴)

و یا در این بیت به داستان حضرت مریم اشاره کرده:

بود آسمان مریمی باردار که بی شوچو مریم گرفتست بار
(همان: ۲۹۵)

سطح زبانی

سطح زبانی چون مبحث گسترده‌ای است، بهتر است که در سه سطح (آوایی، لغوی و نحوی) تقسیم شود. مسائل کلی مربوط به تلفظ واژه‌ها و ابزارهای موسیقی آفرین در سطح آوایی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. بسامد به‌کارگیری لغات نو، کهنه و عربی در سطح لغوی و مسائل مربوط به ساختار نحوی مانند افعال، ضمائر، واو عطف در سطح نحوی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. زبان شاعر در «آلات جنگ»، مبتنی بر لغت‌سازی و ترکیب‌سازی و تعبیرهای بدیع و گاه کهنه است؛ چنانکه می‌توان گفت این ویژگی‌های سبکی به مثنوی او ارزش ادبی قابل توجهی بخشیده است و کاربرد برخی ویژگی‌های خوب سبکی، شعر او را پخته و سنجیده نموده است.

سطح آوایی

مراد از سطح موسیقایی و آوایی، آرایه‌های لفظی، مناسبت‌های وزنی و قافیه، ردیف است که در تقویت عاطفه‌های شاعر و رساندن پیام او نقش زیادی دارد. در سطح آوایی یا سطح موسیقایی که متن به لحاظ ابزار موسیقی آفرینی بررسی می‌شود، اعم از وزن و قافیه و ردیف و صنایع بدیعی است در شعر (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

الف) از نظر موسیقی درونی

از این منظر، مثنوی «آلات جنگ» در بحر «متقارب مثنی محذوف» و وزن «فعولن فعولن فعولن فعول» سروده شده است.

وزن: درمورد وزن متقارب می‌گویند: «وزنی مناسب مضامین حماسی، رزمی و مفاخره می‌باشد» (جدیدالاسلامی، ۱۳۹۰: ۸۱). این وزن، حماسی و رزمی است؛ البته مضامین پند و اندرز هم در این وزن سروده شده است. شاعر این وزن را که با ذوق و قریحۀ او هماهنگ‌تر

بوده برای بیان مفاهیم اخلاقی بکار گرفته، به طوری که شاعر همهٔ مثنوی خود را بر اساس همین یک وزن سروده است.

از آنجا که گفته‌اند: «وزن نوعی تناسب است و تناسب کیفیتی است که حاصل آن دریافت وحدت است بین اجزای متعدد» (ناتل خانلری، ۱۳۸۹: ۲۴). بی‌شک شاعر موسیقی این وزن را متناسب بیان مفاهیم اخلاقی دانسته است. بوستان سعدی، منطق‌الطیر و بسیاری از آثار ارزشمند مانند غزلیات حافظ بر این وزن سروده شده‌اند. همچنان که شفیعی کدکنی می‌گوید: «پس از عاطفه که رکن اصلی شعر است، بهترین عامل و نیروها از آن وزن است؛ چراکه تخیل با تهییج عواطف بدون وزن کمتر اتفاق می‌افتد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۴۷). شاعر موسیقی این وزن را برای بیان مفاهیم و اندیشه‌های خود مناسب دیده است. تناسب وزن و محتوای فیزیکی از عوامل مهم در موفقیت اشعار وی است. درحقیقت وزن مانند روحی است که شاعر با کلام منظوم و زیبایی خود به آن هویت و موجودیت می‌بخشد.

ب به نام خداوند روزی‌رسان که ماهی ازو آب و مه یافت نان
جهان بابی از دفتر حکمتش ابد مدی از خامه قدرتش
شد از بهر تذهیب این نه کتاب فلک لاجورد و طلا آفتاب
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۴)

ب) از نظر موسیقی بیرونی (کناری)

منظور از موسیقی کناری، عواملی است که در نظام موسیقایی شعر دارای تأثیر است؛ ولی ظهور آن در سراسر بیت و مصراع قابل مشاهده نیست، برعکس موسیقی درونی که تجلی آن در سراسر بیت و مصراع یکسان است. جلوه‌های موسیقی کناری بسیار است و آشکارترین نمونه آن قافیه و ردیف است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۳۹۱).

قالب

اشعار مثنوی «آلات جنگ» در قالب مثنوی سروده شده و هر بیت دارای قافیه‌های مستقل است و گاه ابیات مردف هم بکار رفته است. انتخاب قالب مثنوی برای بیان مطالب طولانی و اندیشه‌های اخلاقی و عرفانی مؤثر بوده است.

قافیه

دقت شاعر در ایجاد ضابطه و نظم در صامت‌ها و مصوت‌های قوافی و ردیف‌ها به ایجاد موسیقی

غنی تر و وزن کمک کرده است. «هرچند تعداد حروف قافیه بیشتر باشد، قایمه صوتی بیت در مجموع شعر قوی تر خواهد بود» (متحدین، ۱۳۷۴: ۵۱۶)، چون قوافی و ردیف‌ها به‌خودی‌خود در ایجاد وزن مؤثر هستند. شاعر در انتخاب قوافی، از کلماتی استفاده کرده که صامت‌ها و مصوت‌های آن‌ها با هم هماهنگی و تناسب دارند و با توجه به این تکنیک، ارزش موسیقی شعر خود را قوت بخشیده است.

درین دشت پر وحشت بیکران مشقت بود قسمت سالکان
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۶)

ادب ورز اگر داری آزادگی که شد خاک آدم ز افتادگی
(همان: ۲۹۶)

کاربرد قافیه‌های ساده و به دور از تکلف و پیچیدگی، مهارت و دقت این شاعر را در خلق سروده‌هایش نشان می‌دهد. سادگی کلمات قافیه و تشابه وجوه اشتراکات واجی، نوعی قرابت و شباهت را در قالب آهنگ ایجاد نموده و یکنواختی و موزونی شعر را در ذهن مخاطب بیشتر تداعی کرده است که موجب گوش‌نوازی و غنی شدن موسیقی نیز می‌شود؛ اما شاعر با وجود رعایت این کارکرد و دقت در گزینش قوافی زیبا، به محتوا و مفاهیم نیز توجه خاص دارد و این ویژگی قطعاً بیانگر شناخت خوب وی از شعر و مفاهیم آن است. از طرفی دیگر نیز انتخاب کلمات قافیه، که دارای مصوت‌های بلند در هجاهای به‌کاررفته هستند، ارزش موسیقایی قوافی شاعر را بیشتر کرده است.

روا نیست کردن به او قاتل و قیل اگر پشه را کرده صیاد فیل
(همان: ۲۹۶)

چو خواهد زند بر دل خصم نیش رود یک سر و گردن از اسب پیش
(همان: ۳۰۲)

به ژوئیدگی باطن عارفان چو معنی است در خط ناخوان نهان
(همان: ۲۹۶)

ردیف

شاعر منظومه «آلات جنگ»، از تأثیر موسیقی کناری بر غنی شدن موسیقی شعر اطلاع دارد و به همین دلیل است که از ردیف به‌ویژه ردیف‌های فعلی استفاده کرده تا علاوه بر ایجاد تحرک

و شور و نشاط در مثنوی، به اهداف مهم خود یعنی انتقال معانی نیز دست یابد. ردیف‌ها بیشتر از نوع ردیف فعلی می‌باشند و ردیف‌های فعلی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. «ردیف‌های فعلی به فضای شعر، پویایی و حرکت می‌بخشند و در مقابل ردیف‌های اسمی و حرفی سبب ایستایی شعر می‌شوند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۶۲).

بینی گرت چشم اندیشه است که شه سرو این باغ و او ریشه است
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۶)

چه شد رزمگاهش اگر مسکن است ز حسن بتان دیده‌اش روشن است
(همان: ۳۲۳)

موسیقی کناری در «آلات جنگ»، بسیار حائز اهمیت است و این نکته را در هماهنگی بین ردیف با موضوع مثنوی و همچنین همسانی ردیف با قافیه در یکی از واک‌ها به روشنی می‌توان دریافت. همچنین کاربرد «ردیف» بعد از قافیه، موسیقی برخی ابیات را قوی‌تر کرده است. اگرچه رعایت التزام ردیف گاهی باعث کمرنگ شدن لطافت مثنوی و نظم می‌شود ولی هیاهوی آهنگ‌ها و ردیف‌های فعلی نوعی قوام و استواری به شعر بخشیده و تنوع ردیف‌ها به نوعی موجب تنوع در صور خیال شده است. در نظر شفیعی کدکنی «یکی از نقش‌های ردیف، تأثیری است که در ایجاد تعبیرات خاص زبان شعر و توسعه مجازها و استعاره‌ها دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۴۸).

دو کس را اگر شاه و درویش کرد نگویی که عدلش کم و بیش کرد
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۶)

نمودهای آرایه‌های ادبی در حوزه بدیع لفظی

تکرار

تکرار در زیباشناسی از مسائل بنیادی هنر است. «کورسوی ستاره‌ها، بال زدن پرندگان به سبب تکرار و تناوب است که زیباست. صداها غیر موسیقایی و نامنظم را که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح می‌دانند؛ حال آنکه صدای قطرات باران که متناوباً تکرار می‌شود آرام‌بخش است» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۸۹). شفیعی کدکنی نیز تکرار را از قوی‌ترین عوامل تأثیر و القای فکر می‌داند (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۹۲). در «آلات جنگ»، تکرار کلمات و یا واج‌ها و هجاها به اشکال متفاوت دیده می‌شود، گاه به شکل ردیف، جناس و واج‌آرایی.

الف) جناس

از آرایه‌هایی است که «در سخن آراسته و هنرورزانه کاربردی گسترده یافته است. این آرایه نیک خنای درونی، سخن را سودمند و کارساز می‌کند» (کزازی، ۱۳۷۳: ۴۸) و یا به عبارتی دیگر «منظور از جناس آن است که گوینده یا نویسنده در ابلائی سخن، کلمات هم‌جنس بیاورد که در ظاهر به یکدیگر شبیه و در معنی مختلف باشند» (همایی، ۱۳۷۹: ۳۹).

با استناد بر روش استقرایی مبتنی بر توصیف و تحلیل درخواهیم یافت که شاعر در این اثر خود از انواع جناس بهره برده است که از انواع آن می‌توان به جناس مزید، لفظ، شبه اشتقاق، لاحق و مضارع اشاره کرد. کاربرد جناس از نظر موسیقی، کلام شاعر را غنا بخشیده و این کاربردهای متعدد از جناس، توجه شاعر را به آوردن آرایه و تلاش برای حفظ موسیقی و گوش‌نوازی شعر نشان می‌دهد:

نگردد ز غم جان عارف غمین گران نیست کوه گران بر زمین
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۷)

بزن دست در دامن کھتری که نبود به جز کھتری مھتری
(همان: ۲۹۶)

انواع گوناگون جناس تام، اشتقاقی و افزایشی در این اثر بکار رفته که نشانه وسعت دامنه لغات و توجه شاعر به زیبایی لفظی در شعر است و باعث غنی شدن موسیقی و گوش‌نوازی شعر وی نیز شده است. از طرفی دیگر، موسیقی لفظ در جناس‌های اشعار «آلات جنگ»، از آهنگ ویژه‌ای برخوردار است و نه تنها گوش به صورت طبیعی از ماهیت موسیقایی آن لذت می‌برد، چشم نیز با دیدن این وجه ادبی، التذاذ هنری می‌برد. فایده تکرار علاوه بر ایجاد تأثیر موسیقایی در کلام، موجب پیوند و تلفیق بیشتر کلمات با هم نیز می‌شود.

خورد رزق ازو شاعری بر طرف چو دندان بر آورد دُر دَر صدف
(همان: ۲۹۹)

ب) واج‌آرایی

«واج‌آرایی تکرار یک صامت و مصوت با بسامد زیاد در جمله است. همان‌گونه که تکرار واژه‌ای سبب می‌شود موسیقی و آهنگ شعر افزوده گردد، تکرار واج هم سبب آهنگین کردن کلام و افزایش موسیقی شعر می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۱۰۲). علاوه بر جناس و تکرار،

آرایه هم حرفی و هم صدایی کلمات و واج‌ها هم، سبب قوی‌تر شدن موسیقی در این اثر شده است. به‌عنوان مثال در ابیات زیر تکرار هجاهای متفاوت، علاوه بر ریتم وزن، به غنای آهنگ کمک کرده است:

به گوش صدف در دریا مقرر شنیده چو از احتسابش خبر
چو بشنید از احتسابش خبر چو تبخال خورد آب خود را گهر
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۷)

کاربرد آرایه‌های بدیع معنوی

تلمیح

در لغت یعنی با گوشه چشم نگرستن. از جمله صنایع معنوی بدیع است که در آن نویسنده یا گوینده در ضمن نوشتار یا گفتار به آیه، حدیث، داستان، یا مثل قرآنی یا [عبارت معروفی] اشاره داشته باشد (رک: همایی، ۱۳۷۹: ۴۵).

الف) تلمیح به داستان‌های ادبی

با توجه به اینکه بزرگان بلاغت گفته‌اند ارزش تلمیح به میزان تداعی بستگی دارد که از آن به دست می‌آید، هر قدر اسطوره‌ها و داستان‌های مورد اشاره لطیف‌تر باشد، تلمیح بلیغ‌تر محسوب می‌شد. شاعر در این اثر از تلمیحات هنری بهره برده و تلمیحات وی تداعی‌کننده اسطوره‌ها و داستان‌هاست.

در حقیقت شاعر با آگاهی از این تلمیحات استفاده کرده و عمده تلمیحات وی قابل فهم است و گاه تلمیحات را با تناسب همراه نموده و قدرت کلام هنرمندانه و شاعرانه خود را در کاربرد آرایه‌ها نشان داده است.

ز جا خاست هر که به عزم سفر زد از دوش چون مار ضحاک سر
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۰۹)

ب) تلمیح به داستان‌های دینی

شاعر مانند اغلب شاعران و نویسندگان فارسی نه تنها از افکار دینی استفاده کرده، بلکه از زبان دینی و قصه‌های قرآنی و احادیث کمک گرفته تا مفاهیم دینی را در خلق شعر و متون ادبی انعکاس دهد.

از جمله اشاره به داستان نمرود و هلاک شدن وی به وسیله پشه، داستان رانده شدن شیطان از

بهشت، معجزات پیامبر اسلام (ص)، داستان سلیمان و مور، داستان حضرت یوسف و زلیخا، داستان ضحاک، رستم و...

از اعجاز آن شاه گردون سوار سخنگوی شد چون قلم سوسمار
از و فارس آتش خاموش شد از و ساوه را بحر بی جوش شد
(همان: ۲۹۷)

ج) تلمیح به آیات قرآن

از آنجا که میرزامحمد طاهر قزوینی در سرودن اشعارش به مدح حضرت علی و پیامبر و همچنین به شرح و توضیح آیات و احادیث، در ضمن شرح روایات و حکایات پرداخته است، به تبع آن از آیات احادیث به شکل تلمیح بسیار استفاده کرده است. بیت زیر به آیه «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَثِيرٌ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ» (فاطر/۹).

چو نزدیک گردید یوم النشور به گردش کند هر که را دید دون
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۵)

مراعات النظیر

تناسب، آوردن واژه‌هایی از یک دسته است که با هم هماهنگی دارند. این هماهنگی می‌تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان یا همراهی باشد. شاعر از واژه‌های متعددی که دارای هماهنگی هستند، مراعات النظیر ایجاد کرده و این فن پرکاربردترین آرایه ادبی در شعر وی است:

جز او نیست گر جزو اگر خود کل است که رود است و آب است و طاق پل است
(همان: ۳۰۴)

نمونه دیگر:

الهی به گیتی بود تا نشان ز شمشیر و گرز و کماند و کمان
(همان: ۳۲۴)

ایهام

یکی از مهم‌ترین امکانات زبان شعری در «آلات جنگ»، کاربرد ایهام است. شاعر برای هنجار گریزی از این آرایه معنایی و مفهومی در محور هم‌نشینی کلام بهره برده است. ایهام‌ها اغلب بر اساس ترکیب شکل گرفته و کلام شاعرانه با مدد ایهام قوی‌تر تجسم یافته و ایهام یکی از عناصر

مهم‌زبانی در شعر وی است. در حقیقت کلمات در «آلات جنگ»، در پیوند با یکدیگر و در شبکه‌ای از تناسب‌ها قرار گرفته‌اند:

کسی را که بیند روان سوی جنگ به قربان او می‌رود بی‌درنگ
(همان: ۳۰۶)

تنسیق الصفات

از آنجاکه تنسیق الصفات از نظر لغوی به معنی ترتیب بخشیدن است، شاعر از این آرایه برای نظم و ترتیب بخشیدن در کلام بهره‌جسته و موصوفات معمولاً با نظم خاصی، برای صفات متعددی آورده شده‌اند:

جهان را ازو لطف و نور و ضیاست سیاه شب تیره خورشید راست
(همان: ۲۹۵)

از این باغ شاداب با زیب و فر گل پنج‌برگی است حسن‌بشر
(همان: ۲۹۵)

ارسال‌المثل

آن است که شاعر یا نویسنده‌ای در ضمن سخن خود، از ضرب‌المثلی استفاده کند. شاعر در «آلات جنگ»، برای بیان مطالب حکیمانه در شعرش از ارسال‌المثل استفاده نموده و نتیجه این کارکرد موجب آرایش کلام و تقویت بنیه سخن و شعر وی شده است:

گر از فقر جان و دلت آگه است گدا نیز در کشور خود شه است
(همان: ۲۹۶)

در این اثر، مثل‌ها نقش بسیار مهمی در بیان مباحث اخلاقی و معارف و فهم آسان مسائل و آموزش آن‌ها دارند.

سر دشمنان را ز من باور است که او دست در کاسه دشمن تر است
ز خون ریختن نیست او را ملال که او راست چون شیر مادر حلال
(همان: ۳۰۶)

تضاد

کاربرد کلمات متضاد است و از صنایع بدیعی محسوب می‌شود. شاعر بارها از این صنعت بهره‌جسته است. در «آلات جنگ»، اغلب کلمات متضاد با او عطف به هم معطوف شده‌اند و

در کنار هم قرار گرفته‌اند:

سرایي است گيتي بسی بوالعجب دو دروازه دارد ز روز و ز شب
(همان: ۲۹۵)

زمردی به هنگام شور و شعب به دستش چو ابلق بود روز و شب
(همان: ۳۲۱)

سطح لغوی

کاربرد واژه‌ها

ترکیبات و گروه‌های اسمی و ساخت‌های بدیع نحوی و معنایی از ویژگی‌های مهم سبکی و لغوی در مثنوی «آلات جنگ» است. قزوینی از این نظر کاملاً ماهرانه عمل کرده است. توجه به ترکیبات نو و ترکیب‌سازی از فرایندهای زبانی است که وی با مهارت و توانایی آن‌ها را در مثنوی خود بکار برده است. در زمینه کاربرد لغات و ترکیب‌ها در سطح لغوی، پنج مبحث زیر قابل توجه است.

ترکیبات و لغات جدید

یکی از مزیت‌ها و ویژگی‌های زبانی در شعر و کلام منظوم شاعر، کاربرد لغات نو است که زبان و کلام را برای مخاطب امروزی‌تر، صمیمی‌تر و مأنوس‌تر می‌سازد. این ویژگی از خصایص سطح زبانی اشعار «آلات جنگ» است. شاعر گاه به‌طور عمد از کلمات نو استفاده کرده و با این خصیصه سبکی، روح تازگی را به کتاب خود دمیده است. شاعر سعی داشته از کلمات پیچیده دوری کند و کاربرد کلمات ساده و امروزی، گویای توجه وی به این نکات مهم لغوی است.

جز او گرچه در جنگ صد حربه هست همین بیند از وی عدو ضرب دست
(همان: ۳۱۱)

بود شیشه باده لاله‌گون سر و دسته‌اش گشت چون غرق خون
(همان: ۳۱۱)

بسامد زیاد لغات عربی

هرچند کاربرد کلمات فارسی و عدم استفاده از لغات بیگانه در ادبیات همه ملل توصیه شده، یکی از ویژگی‌های قابل توجه این مثنوی، بسامد بالای کلمات و لغات عربی هستند که آشنایی

شاعر را به زبان، لغات عربی و گستره دامنه لغات و دانش وی نشان می‌دهد.

از آن در بر هستی ماسوا لباس مرقع بود چون گدا
(همان: ۲۹۳)

ولیکن تعجب درین هست بیش که هرگز نزادست بیرون ز خویش
(همان: ۲۹۵)

ز افراد تعویذ این اول است چو گردد حمایل به از هیکل است
(همان: ۳۱۱)

بسامد کلمات مرکب

در زمینه لغت‌سازی و ترکیب‌سازی و آوردن تعبیرات تازه، شاعر گاه دست به ابداعاتی زده که در حوزه لغوی قرار می‌گیرند و به نوعی این کارکرد، دوری از هنجارهای زبانی است. «هنجار گریزی واژگانی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته می‌سازد و برحسب قیاس و گریز از قواعد هنجار واژه‌ای جدید می‌آفریند» (صفوی، ۱۳۸۰: ۲) با بررسی ترکیب‌سازی‌های شاعر مشخص گردید که این خصیصه از نظر دستوری به ایجاز و موجز بودن شعر و کلام وی نیز کمک کرده است و گاهی هم با مدد ترکیب‌سازی، خلاقیت و استعداد زبانی خود را در ساخت صفات مرکب و مشتق مرکب یا قیده‌های مرکب و مشتق مرکب نشان داده است.

تو آن را که گویی صف لشکر است ز نی‌بست او سد اسکندر است
(و حید قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۰۳)

سلاحی چو شمشیر خون‌ریز نیست چو او دیگری فتنه‌انگیز نیست
(همان: ۳۰۳)

کاربرد لغات کهنه

در این اثر گاهی از ترکیبات کهنه استفاده شده که ظاهراً شاعر به قصد طنین بخشیدن به موسیقی ابیات، از این کلمات بهره‌گرفته است. این کلمات بیشتر برای حفظ وزن و یا قافیه‌سازی بکار رفته‌اند و کمتر جنبه ایجاز دارند.

از طرف دیگر، بررسی این کلمات نشان می‌دهد که هرگاه شاعر از لغات پیچیده و دور از ذهن استفاده می‌کند، به لغات گوناگون احاطه و تسلط دارد و دارای دایره لغوی گسترده‌ای بوده

است. تحقیق جامع در اشعار او می‌تواند از این جهت هم مفید و جالب باشد.

به قرپوس زینش نباشد درنگ دلش پر برآورده از بهر جنگ
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۱۱)

بود حربه تیر کز سهم او زره‌پوش گردد ز زخمش عدو
(همان: ۳۰۶)

کند وقت هیجا و روز مصاف دواغش ز خون دلیران رعاف
(همان: ۳۰۳)

سطح ادبی

گذشتگان ما با همه توجهی که به اهمیت صور خیال در شعر داشته‌اند و معنی و مفهوم و جوهر شعر کمتر مورد توجه آن‌ها بوده است، از اهمیت خیال در شعر کمتر سخن گفته‌اند، ولی آن‌ها که دید منطقی و فلسفی به مفاهیم شعر داشته‌اند، عنصر خیال را جوهر اصلی شعر شمرده‌اند و امروزه نیز بسیاری از گویندگان، هنر را نتیجه خیال و تخیل دانسته‌اند. از گذشته‌های دور، خیال به معنی تصویر، شبیح، سایه و مفاهیم نزدیک و مشابه به این معانی بکار رفته است؛ بنابراین خیال که جوهر اصلی و عنصر ثابت شعر است و مجموعه تصرفات بیانی و مجازی، چیزی است که از نیروی تخیل حاصل می‌شود و این نیرو قابل تعریف دقیق نیست، اما تصویر با مفهومی وسیع‌تر، شامل هرگونه بیان برجسته و مشخص است؛ اگرچه از انواع مجاز و تشبیه نشانه‌ای در آن نباشد. البته با تمام تلاش و کوشش‌هایی که در راه شناخت و تعریف خیال شده، همچنان مبهم است و جای بحث بسیار دارد. زبان ادبی، زبانی است مخیل و تصویری، یعنی مرکب از تشبیه و استعاره و مجاز و ... (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۲).

تشبیه

شاعر در سطح ادبی، برای ایجاد صورخیال بیشتر از تشبیه، استعاره و کنایه مدد جسته است. بخشی از زیبایی‌ها و ظرافت‌های شعر در «آلات جنگ»، در ایجاد صور خیال و تصویرآفرینی بر دوش تشبیه نهاده شده است. تشبیه از مهم‌ترین وسایل تصویر صورخیال در شعر فارسی بوده و در اشعار «آلات جنگ»، بیش از صنایع دیگر بکار رفته است. تشبیه برای ساده و محسوس کردن کلام شاعر بکار رفته است. زبان وی را صمیمی کرده، اما غالب تشبیهات وی تکرار تشبیهات گذشته هستند و ابداع و نوآوری در آن‌ها کمتر دیده می‌شود.

الف) تشبیهات ساده

شاعر در تشبیهات خود به دنبال خلق افق‌های معنایی و تصویرسازی‌های نو و بدیع نیست، او در تلاش است اندیشه خود را با تشبیهات ساده بیان کند و از این‌رو بیان مضامین ساده برای وی مهم‌تر بوده است.

بود دشنه مرغی شکارش یلان که او را بود در کمر آشیان
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۱۱)

تبرزین بود طایری جانستان که در کاسه سر کند آشیان
(همان: ۳۰۷)

تشبیه مفصل

بسامد تشبیه مفصل بیش از تشبیه مرسل است:

اگر زاهد خشک اگر می‌گسار چو دود است و آتش از و بی‌قرار
(همان: ۲۹۱)

تشبیه‌های او ساده و در جهت تفهیم مفاهیم و تصویرسازی بکار رفته‌اند. شاعر از تشبیهات پیچیده پرهیز کرده و تشبیهات وی بیشتر حسی هستند.

ب) تشبیه مفروق

از نظر شکلی اغلب تشبیهات مفروق هستند و هر مشبه در کنار مشبه‌به خود آمده است.

اغلب وجه شبه و مشبه‌ها نیز به صورت مرکب و مقید دیده می‌شوند.

چو مغز است نرمی، درشتی چو پوست شکست تو را مومیایی ازوست
(همان: ۲۹۲)

دهانش نماید دل عمر و زبید به یک حلقه دام و یک دانه صید
(همان: ۳۰۹)

شعر در این اثر فقط واژه و حرف نیست، بلکه نمایشی است که بر اساس حروف و کلمه صورت گرفته است. شاعر مانند شاعران پیش از خود شعر نسروده، بلکه نمایش داده و به تصویر کشانده است. شاعر گاه صحنه‌ای را در چند بیت چون تابلوی نقاشی برای خواننده ترسیم کرده تا هم تصویر روشن‌تری از عواطف و احساسات را ارائه کند و هم احساس مخاطب را برای درک مقصود به کاوش وادارد.

استعاره

کاربرد استعاره به اشعار شاعر جان تازه می‌بخشد؛ به شکلی که در لفظ اندک معنی بسیار می‌گنجاند؛ به همی دلیل می‌توان گفت استعاره‌های کتاب «آلات جنگ» بسیار روشن و صریح‌تر از تشبیه است. در استعارات وی عناصر ملموس ذهنی هستند و همچون تشبیهات ساده و به دور از پیچیدگی لفظی و بدیعی ساخته شده‌اند.

استعاره مصرحه

در این اثر، استعاره‌ها اغلب از نوع استعاره مصرحه هستند و استعاره‌های ساده و آشنا و به نوعی تکرار استعاره‌های شاعران پیشین هستند.

مر او را قورق باشد آن مرغزار که نمرود را پشه سازد شکار
(وحید قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۱)

بگیرد در اوقات بازی و جنگ میان بتان را در آغوش تنگ
(همان: ۳۰۶)

شاعر علاوه بر کاربرد الفاظ زیبا، به معنا و محتوای سخن خود نیز توجه دارد. تصویر آفرینی‌های زیبای او بیانگر همین موضوع است. او با استفاده از استعاره، تصاویر پویا و متحرک را آفریده است.

کنایه

شاعر در کنار تشبیه و استعاره، برای تصویر آفرینی از کنایه نیز بهره گرفته است. کنایات وی عمدتاً روشن و واضح است و بیشتر از زندگی عادی مردم و اعتقادات عامه و امثال کوچه بازار گرفته شده است.

ایما

کنایات به‌کاررفته در مثنوی «آلات جنگ» از نوع ایماست که درک آن آسان است. درحقیقت، در این اثر خواننده با گونه‌های رمز روبرو نیست، بلکه بیشتر کنایات ساده و قابل فهم هستند که معنای آن‌ها صریح و خالی از پیچیدگی است.

درین رشته هرکس چو گوهر نشست سر رشته را کی گذارد ز دست
(همان: ۲۹۲)

گل جنگ دارد ازو رنگ و بو مژه دیده حلقه جنگ ازو

(همان: ۳۰۱۶)

نتیجه‌گیری

مثنوی «آلات جنگ»، از آثار ارزشمند قرن ۱۱ و ۱۲ هجری است که ۸۰۰ بیت دارد. این کتاب ارزشمند تاکنون به‌طور مجزاً تصحیح و چاپ نشده و تنها نسخه باقیمانده آن با شماره ۱۱۶۱ و ۱۱۶۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی قرار دارد. شاعر در این کتاب با استفاده از صور خیال و صناعات ادبی به توصیف هنرمندانه جنگ ابزارها پرداخته است. شاعر برای غنی کردن اشعار و اندیشه‌های خود در ابتدای منظومه، از آیات و احادیث بهره جسته است.

در سطح فکری توجه به موضوعات دینی، اخلاقی و تعلیمی موجب شده تا شاعر به موضوعاتی چون خردگرایی، تواضع و افتادگی در زندگی، تلاش و کوشش و تحمل سختی‌ها و خداشناسی بارها تأکید کند و درباره فضایل و رذایل اخلاقی، اشعاری بسراید.

اشاره به شخصیت‌های دینی و برجسته از ویژگی‌های این اثر نفیس است. مضمون‌ها و ظرافت‌های شعری، اندیشه و افکار شاعر آن‌چنان با زبانی ساده و روان بیان شده که گاه آن‌ها را با زبانی صمیمی بیان می‌کند. شاعر تلاش کرده از اختیارات شاعری زیاد استفاده نکند و در عوض کوشیده فرصتی برای بیان اندیشه‌ها و تفکرات عالی خود بیابد. توجه به نیایش، نعت پیامبر و اهل بیت توجه به عقل و بهره جستن از منبع قرآن و حدیث، اختیارمداری و... از موضوعات مهمی هستند که در سطح فکری این اثر برجستگی یافته‌اند.

سطح زبانی در سبک‌شناسی زبانی این اثر می‌بینیم که شاعر سعی در تخفیف کلمات، آوردن ابیات مردف و جناس برای غنا بخشیدن به موسیقی شعر است. بسامد کلمات کهنه و عربی نیز در سطح زبانی از ویژگی‌های قابل توجه سبکی این اثر است. توجه شاعر به کاربرد آرایه‌های بدیعی چون تلمیح، تضاد، ایهام و تنسیق‌الصفات نشان می‌دهد که شاعر برای تقویت بنیه کلام منظوم خود و نشان دادن وجهه هنری شعرش از آن‌ها استفاده نموده است. با تأمل در این اشعار درمی‌یابیم که باریک‌اندیشی‌ها، تصویرآفرینی و به‌ویژه جلوه‌های زیباشناسی دانش بدیع به‌طور چشمگیر و قابل توجه در این اثر هستند. تصویر آفرینی‌های خاص و کاربرد آرایه‌های بدیعی که بسامد قابل تأملی را در برخی ابیات نشان می‌دهد، از نکات قابل اهمیت می‌باشد؛ به نحوی که شاعر از ظرایف و دقایق ادبی آگاهانه و به نحو احسن استفاده نموده است. در حقیقت آرایه‌های بدیعی نقش بسزایی را در ایجاد تصویرها و زیبایی‌های کلام وی داشته است. بر

اساس آنچه بیان گردید، کاملاً آشکار است که استفاده آگاهانه شاعر به دانش بدیع و زیبا شناسانه لفظی و معنوی، از نکات قابل توجه سبک‌شناسی این اثر است. در سطح ادبی شاعر برای تصویرآفرینی از تشبیه، استعاره و کنایه بهره می‌برد. تشبیهات وی اغلب ساده، حسی، مفروق و بلیغ هستند که به ظرافت شعری و تصویرآفرینی شاعرانه کمک کرده‌اند. استعاره‌ها شکلی از تشبیه فشرده و تکرر استعاره‌های شاعران پیشین هستند. کنایات روشن و واضح و به شکل ایما به کلام قوت بخشیده‌اند. بررسی این اثر نشان می‌دهد کاربرد صور خیال و آرایه‌های بدیعی به شاعر کمک نموده گستره دایره تخیل و کثرت مفاهیم و معانی را در شعر خود با زبانی شاعرانه‌تر و هنری‌تر بیان کند. به همین دلیل کاربرد این ابزارهای بیانی و فنون ادبی خصوصاً تشبیه و استعاره به شاعر کمک کرده تا مضامین شعری خود را با زبانی قوی‌تر بیان کند و این تعبیر تازه و تصویر آفرینی‌ها شعر وی را حیات و تازگی بخشیده است، چون شاعر تمایل ندارد معانی صریح را به‌طور ساده و بی‌پیرایه بیان کند و از این‌رو توجه او به صورخیال و آرایه‌ها در حدی است که بتواند معانی بلند فکری و اندیشه خود را به رشته نظم بکشد. او شاعری است که با داشتن دغدغه‌های بسیار و تلاش در طرح مفاهیم اخلاقی، علاوه بر محتوا به فرم نیز توجه داشته است.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

خانلری، پرویز (۱۳۸۹) *وزن شعر فارسی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

خیریه، بهروز (۱۳۸۷) *شیوه‌های ارسال پیام در حماسه‌های ایرانی*، تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸) *موسیقی شعر*، تهران: آگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰) *صورخیال*، تهران: آگاه.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۶) *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: فردوس.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۹) *کلیات سبک‌شناسی*، تهران: فردوس.

صفوی، کوروش (۱۳۸۰) *زبان‌شناسی و ادبیات*، تهران: سوره.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۳) *زیباشناسی سخن پارسی: بدیع*، تهران: نشر مرکز.

متحدین، ژاله (۱۳۷۴) *تکرار و ارزش صور بلاغی آن*، مشهد: دانشگاه فردوسی.
مولوی، جلال‌الدین (۱۳۹۰) *مثنوی*، شرح کریم زمانی، تهران: امیرکبیر.
وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۸۰) *مثنوی «آلات جنگ»*، در گنجینه بهارستان، چاپ فاطمه
اخوان‌فرد، تهران: مرکز اسناد.
وردانک، پیتر (۱۳۹۳) *مبانی سبک‌شناسی*، ترجمه محمد غفاری، تهران: نشر نی.
همای، جلال‌الدین (۱۳۷۹) *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: نشر نی.

مقالات

بخردی، پروین، شمیسا، سیروس، مدرس‌زاده، عبدالرضا. (۱۴۰۰). سبک‌شناسی شهرآشوب
های مسعود سعد سلمان. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۳(۴۹)، ۲۰۹-
۲۳۷. doi: 10.30495/dk.2021.686460
جدیدالاسلامی، حبیب، صفائی کشته‌گر، نسرین. (۱۳۹۰). موسیقی بیرونی دیوان بیدل دهلوی.
مطالعات شبه قاره، ۳(۶)، ۶۵-۸۸. doi: 10.22111/jsr.2011.417

References

Books

The Holy Quran.

Kheirieh, Behrooz (2008) *Methods of Sending Messages in Iranian Epics*, Tehran: Farhang Maktoob Publications.

Homayi, Jalaluddin (2000) *Rhetoric Techniques and Literary Crafts*, Tehran: Ney Publishing.

Kazazi, Mir Jalaluddin (1995) *A New Look at Figures of Speech*, Tehran: Markaz Publishing.

Khanlari, Parviz (2010) *Rhythm in Persian Poetry*, Tehran: Iranian Culture Foundation.

Molavi, Jalaluddin (2012) *Masnavi*, Sharh Karim Zamani, Tehran: Amirkabir.

Motahedin, Jaleh (1996) *Repetition and the Value of its Rhetorical Forms*, Mashhad: Ferdowsi University.

Safavid, Cyrus (2001) *Linguistics and Literature*, Tehran: Sura.

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1989) *Poetry Music*, Tehran: Agah.

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (2001) *Figures of Thought*, Tehran: Agah.

Shamisa, Sirus (1997) *A New Look at Figures of Speech*, Tehran: Ferdows.

Shamisa, Sirus (2010) *Generalities of Stylistics*, Tehran: Ferdows.

Vahid Qazvini, Mohammad Taher (2001) *Kandahar Conquest, in the Treasury of Baharestan*, published by Fatemeh Akhavanafard, Tehran: Documentation Center.

Vahid Qazvini, Mohammad Taher (2005) *History of Abbasi World Votes*, Tehran: Published by Seyed Saeed Mir Mohammad Sadegh.

Vardanak, Peter (2014) *Basics of Stylistics*, Trans. Mohammad Ghaffari, Tehran: published.

Articles

Bekhradi, P., Shamisa, S., Modarres Zadeh, A. R. (2021). Stylistic Analysis of Shahr-ashoubs of Mas'ud-e-Sa'd-e-Salman. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 13(49), 209-237. doi: 10.30495/dk.2021.686460.

Jadid al-Islami, H, Safai Keshtgar, N. (2011). The External Music of Bidel Dehlavi's Diwan. *Subcontinent Researches*, 3(6), 65-88. doi: 10.22111/jsr.2011.417.



Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 56, Summer 2023, pp. 219-243

Date of receipt: 9/1/2022, Date of acceptance: 9/3/2022

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1949413.2403](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1949413.2403)

۲۴۳

A Thematic and Stylistic Analysis of Mohammad Taher Qazvini's Masnavi *Weapons of War*

Mohammad Hossein Tashakori Bafghi¹, Dr. Fatemeh Ghafouri Mahdiabad², Dr.
Puran Yousefipour Kermani³

Abstract

Mirza Mohammad Taher Qazvini's *Weapons of War* is one of the most valuable and poetic works of the 11th and early 12th centuries AH. This work includes 800 lines and is composed in the form of Masnavi. In this research, while briefly introducing the author and his valuable work, the stylistic coordinates of this work have been studied. This research has been done based on a descriptive-analytical method. The poet has used historical allusions and hints to enrich his poems and thoughts. It is noteworthy that Mirza Mohammad Taher Qazvini was influenced by the Safavid period in his illustration and depiction of war tools in Masnavi *Weapons of War* and this work is one of the first instances to use new weapons tools such as pistols and weapons and guns. In his book, Vahid Qazvini has repeatedly dealt with stories, religious narrations, historical and Islamic events, and great personalities such as the Holy Prophet (PBUH) and Imam Ali (AS). In addition to these topics, he is well acquainted with Persian and Arabic literature and refers to stories and characters. The study of intellectual, linguistic and literary levels of this work undoubtedly paves the way for the knowledge and thinking of the poet's scientific and literary practice for those who are interested as well as the researchers.

Key words: Masnavi, Weapons of War, Mirza Mohammad Taher Qazvini, content analysis, stylistics.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Anar Branch, Islamic Azad University, Anar, Iran. Ofogh_kavir1998@yahoo.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Anar Branch, Islamic Azad University, Anar, Iran. (Corresponding author) Fatemeghafuri4643@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Anar Branch, Islamic Azad University, Anar, Iran. Pooran.yusefipour@yahoo.com